

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

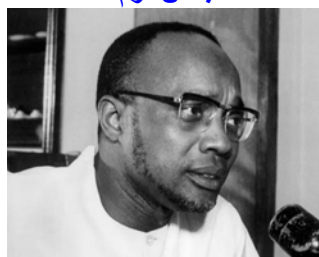
Political

سیاسی

سخنرانی : امیلکار کابل
فرستنده : یوسف فرهادی
۲۳ می ۲۰۲۵

آزادی ملی و فرهنگ

بخش دوم



شکل عملی آپارتاید عبارت است از استثمار طاقت فرسای نیروی کار توده های سیاه، که به فجیع ترین طرزی که بشریت تا کنون به خود دیده در اردوگاه های متمرکز در بند کشیده و سرکوب می شوند.

این نمونه های عملی معیاری است که با آن می توان درام تسلط امپریالیستی بیگانه در مواجهه با واقعیت فرهنگی خلق تحت سلطه را سنجید.

همچنان این نمونه ها انعکاس پیوند دو جانبه بین وضعیت فرهنگی و وضعیت اقتصادی و (سیاسی) را در رفتار جوامع انسانی نشان می دهد.

در حقیقت فرهنگ همواره عبارت است از زندگی یک جامعه برآیند کم و بیش آگاهانه فعالیت های سیاسی و اقتصادی آن جامعه، انعکاس کم و بیش پویای انواع روابطی که در آن جامعه برقرار است از یک سو رابطه انسان با طبیعت (فردی یا اجتماعی) و از سوی دیگر رابطه بین افراد گروه های اقشار با طبقات اجتماعی.

ارزش فرهنگ به مثابه یک عنصر مقاومت در برابر سلطه بیگانه در این حقیقت قرار دارد که فرهنگ عبارت است از انعکاس پرتوان واقعیت فیزیکی و تاریخی جامعه تحت سلطه در عرصه ایدئولوژیک یا معنوی.

فرهنگ در عین حال عبارت از ثمره تاریخ یک خلق، و از طریق تأثیرات مثبت یا منفی که بر تحول روابط بین انسان و محیط بین انسانها یا گروه ها در یک جامعه و نیز در جوامع مختلف اعمال می کند، عامل تعیین کننده ای در تاریخ خواهد بود. علت شکست تلاش های مختلفی که برای تحمیل سلطه بیگانه صورت می پذیرد و نیز علت شکست برخی از جنبش بین المللی را می توان در نادیده گرفتن حقیقت فوق جست و جو کرد.

اکنون اجازه دهید ماهیت آزادی ملی را مورد بررسی قرار دهیم.

ما این پدیده تاریخی را در زمینه کنونی اش مورد ملاحظه قرار خواهیم داد، یعنی آزادی ملی در مقابل سلطه امپریالیستی – همان گونه که می دانیم سلطه امپریالیستی هم در شکل و هم در محتوا از سایر اشکال پیشین تسلط بیگانه متمایز است (قبیله‌ئی، اشرافیت نظامی، فیودالی و سرمایه داری در مرحله رقابت آزاد).

مشخصه اصلی و مشترک هر نوع سلطه امپریالیستی عبارت است از نفی روند تاریخی خلق تحت سلطه، که این عمل از طریق قطع جابرانه عملکرد آزاد روند تکامل نیروهای مولده، صورت می پذیرد.

در هر جامعه معین سطح تکامل نیروهای مولده و نظام بهره گیری اجتماعی از این نیروها (نظام مالکیت) شیوه تولید آن جامعه را تعیین می کند.

به عقیده ما شیوه تولید، که تضادهایش با شدت کم و بیش در مبارزه طبقاتی متجلی می شود، عامل اصلی در تاریخ هر گروه انسانی است، و سطح نیروهای مولده عامل محرک دائمی و واقعی تاریخ است.

برای هر جامعه، برای هر گروه از انسانها، که به مثابه یک کل تحول یابنده در گرفته شوند، سطح نیروهای مولده بیانگر مرحله تکامل جامعه است و تکامل اجزاء آن را در طبیعت و توانائی آن را برای کنش یا واکنش آگاهانه در رابطه با طبیعت نشان می دهد.

سطح نیروهای مولده بیانگر و تعیین کننده نوع روابط مادی است که بین عناصر یا گروههای مختلف یک جامعه معین وجود دارد، انواع مناسبات و روابطی که بین انسان و طبیعت، بین انسان و محیطش برقرار است، انواع مناسبات و روابطی که بین اجزاء فردی یا جمعی یک جامعه وجود دارد سخن گفتن از این روابط سخن گفتن از تاریخ و نیز به معنای سخن گفتن از فرهنگ است.

ویژگی های معنوی یا ایدئولوژیک تجلی فرهنگی هر چه باشد، فرهنگ عبارت است از یک عنصر اساسی در تاریخ خلق ها، شاید بتوان فرهنگ را محصول تاریخ دانست، درست همانگونه که گل محصول گیاه است.

فرهنگ نیز همچون تاریخ یا شاید بدان علت که خود تاریخ است دارای بینائی مادی است که همانا سطح تکامل نیروهای مولده و شیوه تولید می باشد.

ادامه دارد...